علم نشانه شناسی و رابطه آن با حروف مقطعه

آن سال‌هایی که مباحثه می‌کردیم در چندین جلسه راجع به این روایت شریف بحث کردیم. عنوانش در فدکیه این است: «حدیث ما أنزل الله تعالی کتابا و لا وحیا إلا بالعربیة[1]». شما نباید زبان عربی را دست کم بگیرید. اگر خدای متعال واضع لسان عربی بوده خط هم همچنین است. اگر ما نگاه دیگری داریم برای ما خیلی آشنا است. عالَم برای خودش است. از روز اول هم طوری هدف گیری می‌کند که کتاب خودش را نازل کند؛ «لایفوته شیء».

لذا حتی اگر برون دینی هم نگاه کنیم روی قضایای شرطیه جلو می‌رویم. قضیه شرطیه ای که خداوند می‌خواهد تدوین کند الآن می‌خواهد جلو برود. می‌دانید که این قضایای شرطیه چرا مهم است؟ به‌خاطر این‌که الآن در زمان ما مبادی فهم این‌ها فراهم است. سال‌های قبل خیلی روی این تأکید کردم. چندین هزار سال نوابغ بشر کار کردند، کمکم از قرن بیستم فهمیدند کاری که بشر شبانه‌روز زندگی‌اش آغشته به آن بود سنگین ترین علم بشر است. علم نشانه شناسی. نشانه به همین ساده گی؟! بله. سهل ممتنع است. علم سهل ممتنع است. یعنی ساده‌ترین کار برای بشر تسمیه، عَلَم گذاری و نشانه گذاری بوده. ولی این عمل به قدری غموض دارد که تدوین این علم تازه در قرن بیستم شروع شده. الآن هم می‌گویند در مراحل اولیه آن است.

این علم یکی از مهم‌ترین مبادی مباحث تفسیری ما است. یعنی اگر دانشمندی باشد که در رشته نشانه شناسی پیشرو باشد وقتی می‌گوییم بیا یک رمان بشنو، می‌گوید عجب! خیلی دارید حرف می‌زنید! خب این حرف‌ها چیست؟ یکی از آن‌ها این است: وقتی قرآن کریم صحبت می‌کند می‌گوییم از روز اول پیامبرانی که می‌آمدند می‌گفتند آخرین کتابی که خدای متعال قرار است بفرستد خصوصیتش این است که با حروف مقطعه است؛ یاتی بکتاب بالحروف المقطعه. حروف مقطعه چیست؟ «الم و ...».

ببینید قرآن کریم آشکارا می‌گوید اگر شما سراغ من می‌آیید من شما را به بسائط کلام رهنمون می‌کنم. یعنی اول به شما کلامی نمی‌گوییم که اینطور باشد «بفرما این حرف من!». من یک چیزهایی می‌گوییم که نظر شما جلب شود. بیست و دو وجه گفته‌اند.

عرض کردم جالب است که حرف ابوفاخته را نگفته اند. در قرآن کریم این چیز کمی نیست. بینی و بین الله وقتی خود من طلبه شده بودم چقدر در آیات محکم و متشابه فکر کردم. چرا؟ چون طلبه طلبه شد، می‌گوید آیات محکم چیست؟ شما می‌خواهید آیات متشابه را به محکم ارجاع بدهید. چند مثال از محکم برای من بزنید. همان هایی که خودمان می‌دانیم را مثال می‌زنید و مباحثات طلبگی شروع می‌شود.

شاگرد: در مباحثه محکم، متشابه می‌شود.

استاد: خود آیه محکم و متشابه، چه هنگامه ای است! بحث‌های مفصلی است. حدیث را بخوانم.

> عن جعفر بن محمد عن أبيه ع قال ما أنزل الله تعالى كتابا و لا وحيا إلا باللغة العربية فكان يقع في مسامع الأنبياء ع بأ لسنة قومهم و كان يقع في مسامع نبينا باللغة العربية فإذا كلم به قومه كلمهم باللغة العربية فيقع في مسامعهم بلسانهم و كان أحدنا لا يخاطب رسول الله بأي لسان خاطبه إلا وقع في مسامعه باللغة العربية كل ذلك يترجم جبرئيل ع عنه تشريفا من الله عز و جل له[2]

«ما أنزل الله تعالى كتابا و لا وحيا إلا باللغة العربية فكان يقع في مسامع الأنبياء ع بألسنة قومهم»؛ جوهره وحی به زبان عربی است. وقتی سراغ پیامبران می‌آمد مبدل داشت. به زبان قومشان تبدیل می‌شد. یعنی اساساً ریخت وحی با عربیت جوش خورده است. این تعبیری کمی است؟!

تازگی برخورد کردم. زنادقه سایت‌هایی علیه اسلام دارند و می‌نویسند. صفحه‌ای باز کرده بود و در مطلبی که می گویند در قرآن حدیث با عنصر آهن موافق است را نوشته بود. ردش چه بود؟ چیزهایی است که برون دینی است. در اینجا دیگر نباید نگاه درون دینی داشت. اگر خدا را هم قبول ندارید نداشته باشید. حدیث بیست و شش است. گفته بود مسلمانان برای قرآن معجزه درست کرده‌اند! گفته‌اند عدد آن بیست و شش است که با عدد جدول تناوبی یکی است. حال می‌خواهند در کنند. چجور در کند؟ اینکه معجزه قرآن نیست، معجزه زبان عربی است! ای بیچاره! ما هم همین را می‌گوییم. هیچ وحیای نیست مگر به زبان عربی.

اصلاً چرا می‌گوییم واضع زبان عربی خدا است؟ به‌خاطر اینکه خدای متعال از اول لسان عربی را گذاشته تا قرآن را به این زبان نازل کند. و لذا حدیث اینچنین می‌شود. من از کتاب نجیب ماهر یادم هست. جابر بن حیان می‌گوید امام صادق به من فرمودند جابر! اگر می‌خواهی مزاج فلزات دستت بیاید به زبان عربی حسابشان کن. بعد فرمودند طلا را ذهب بگیر. با ذهب است که می‌توانید جلو بروید. اما اگر «طلا» گرفتید چیز دیگری می‌شود. دوم هم گفتند ببینید در سوره حدید هم آیه بیست و ششم است. خب به این زندیق می‌خواهیم جواب بدهیم. یکی روی آن می‌گذاریم تا معجزه درست کنیم، قرآن را باز می‌کنید و می‌بینید آیه بیست و پنجم است! از این جواب‌ها! خب باباً تو بسم الله را در سوره حساب نمی‌کنی. وقتی آن را آیه ندانی بیست و پنجم می‌شود. و الا اگر شما نزد شیعه بیایید می‌گویند بسم الله هم آیه است. لذا بیست و ششم می‌شود. البته من نمی‌خواهم بگویم اینها حرف‌های درستی است. هنوز روز این حرف‌ها مانده است.

---

[1]علل الشرائع ؛ ج ۱ ؛ ص ۱۲۶

[2]همان

بازبینی #2
ایجاد شده 17 آوریل 2024 14:48:32 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 مه 2024 14:00:42 توسط ... .